

## تصویرپردازی از دانشکده حکومت

علی اصغر پورعزت<sup>۱</sup>

۱. استاد گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران

(دریافت: ۱۳۹۴/۶/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۴)

### Prospection Coming out of School of Government

Ali Asghar Pourezzat<sup>1</sup>

Professor of Public Administration, School of Management, University of Tehran, Tehran, Iran

Chief of Iranian Public Administration Association

Received: (6/Sep/2015) Accepted: (22/Dec/2015)

#### Abstract

Social systems are known as one of the most complex system and their management is an important and challenging job. Specially if a wise oriented theory could be a strong support for government's actions and interventions. So presenting governance theory in interdisciplinary and multidisciplinary circumference for supporting government and administration style is necessary. Because government is not only multidimensional feature, but also faced territories for its interventions in many complex and various arenas. The important point is that, government interventions need theoretical supports, and this theoretical support could not configurate comprehensively and clearly in none of the Politics Economics, Social sciences or Management school. This article has been written to emphasize the compasses and diversity of correct actions of government, with the aim of integrated administration theory configuration for guidance of governance and elucidation of action path way for three branches of government. We can consider the necessity of this school in light of many real story that distinguish correct narrations from incorrect ones about mission of public administration discipline.

#### Keywords

Policy study, Governance theory, Multidisciplinary studies, National interests, Identity of government and state administration

#### چکیده

سیستم‌های اجتماعی از پیچیده‌ترین سیستم‌های شناخته شده‌اند و اداره آنها، امری خطیر و پر چالش است؛ به‌ویژه اگر نظریه خردمندان‌های پشتوانه عمل و اقدام دولت باشد؛ بنابراین ارائه نظریه حکمرانی در فضایی میان‌رشته‌ای، و چند رشته‌ای برای حمایت از شیوه حکومت و اداره ضرورت دارد؛ زیرا از سوی حکومت چندبعدی است و از سوی، قلمروهای پیش رو برای عمل و اقدام آن، بسیار پیچیده، پرتنوع و در هم تافته‌اند. نکته مهم این است که عمل حکومت نیازمند پشتوانه نظری است و این پشتوانه نظری در هیچ‌یک از رشته‌های علوم سیاسی، اقتصاد و علوم اجتماعی، و مدیریت به‌طور صریح و جامع صورت‌بندی نمی‌شود. این مقاله با تأمل بر گستره و تنوع حوزه‌های عمل و اقدام درست حکومت، باهدف صورت‌بندی یک نظریه اداری منسجم برای دلالت بر حکمرانی و روشن‌سازی مسیر عمل دستگاه اداری دولت و حکومت در قوای سه‌گانه، نگارش یافته است. مقاله با روایتگری داستان‌های چندگانه با وجهی پدیدارشناسانه، روایت‌های نادرست از رسالت رشته علمی اداره دولت و حکومت را به‌نقد می‌کشد، و بر این اساس تصویر «دانشکده حکومت» را پردازش کرده است.

#### واژه‌های کلیدی

ختم‌شده پژوهی، نظریه حکمرانی، مطالعات چندرشته‌ای، منافع ملی، هویت رشته اداره دولت و حکومت

\*Corresponding Author: Ali Asghar Pourezzat

Email: [pourezzat@ut.ac.ir](mailto:pourezzat@ut.ac.ir)

\* نویسنده مسئول: علی اصغر پورعزت

**مقدمه**

پزشکی که مهم‌ترین بیماری بیمار را درمان می‌کند، کار به یک کمیسیون پزشکی متشکل از پزشک مغز و اعصاب، قلب، داخلی و نظایر آن واگذار شود تا ترکیبی از تجویزهای کم عارضه را در مجموع، به بیمار توصیه کنند. نکته این است که در غیاب این کمیسیون پزشکی، ممکن است تجویزهای مستقل هر پزشک، ضمن درمان وجهی از دردهای یک بیمار، نتیجه حاصل از درمان یک پزشک دیگر را تخریب یا تضعیف نماید. در سطح حکومت و حکمرانی نیز اگر دانشمند اقتصاد، بدون اعتنا به هشدارهای دانشمند علوم سیاسی و روان‌شناسی و علوم اجتماعی، به درمان پدیده تورم بپردازد، به احتمال زیاد شکست خواهد خورد؛ ضمن اینکه دولت (بیمار)، سردرگم خواهد شد که به توصیه‌های کدام متخصص اولویت دهد.

**شکل‌دهی بسته خط‌مشی**

با بررسی تجارب عینی مشخص می‌شود اهتمام به تدوین خط‌مشی‌های مستقل و منفرد، معمولاً رهگشا نبوده، سیر اصلاحات اجتماعی را تپاه می‌سازد. برای مثال، خط‌مشی فقرزدایی می‌بایست با ملاحظات روان‌شناسی اجتماعی و تدوین برنامه‌های آموزشی مناسب و نیز تدابیر درمانی و تأمین مسکن مقتضی صورت پذیرد؛ بنابراین پرداختن به مسئله و مشکل پیچیده و کهن سال فقر، اهتمام مشترک چندین وزارت خانه را طلب می‌کند و ضرورت تدوین بسته خط‌مشی را در کانون توجه قرار می‌دهد. تدوین بسته خط‌مشی فقرزدایی احتمالاً وزارتخانه یا حوزه‌های وظیفه‌ای زیر را درگیر می‌سازد: وزارت جهاد کشاورزی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، وزارت صنایع و معادن، وزارت اقتصاد و دارایی، وزارت مسکن، راه و شهرسازی، وزارت دفاع، وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، و سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی. این امر حتی به وزارت کشور و وزارت امور خارجه نیز مرتبط می‌شود؛ زیرا بسیاری از وجوه فقر، منشأ خارجی دارند. همچنین واحدهایی چون سازمان حفاظت از محیط‌زیست، سازمان مبارزه با مواد مخدر، کمیسیون‌های مجلس و قوه قضاییه، با این مسئله پیچیده مرتبط‌اند. در صورتی که این وزارت خانه‌ها و سازمان‌ها، خط‌مشی‌های خود را صرفاً با اتکا به قلمروهای ویژه خود و دانش‌های مرتبط با آنها تدوین کنند، پیامدهای مصیبت باری عاید کشور می‌شود.

گویا تدوین هر لایحه جدی، اقدامات کارشناسی مجموعه هیئت دولت را می‌طلبد؛ از این رو تأکید بر تحدید ساختار حکومت و شکل‌دهی تعداد معدودی وزارتخانه ارشد برای

اکنون چندین هزاره از روی‌آوری آدمیان به حیات اجتماعی می‌گذرد و در این سیر همچنان چالش اداره حکومت یکی از مهم‌ترین چالش‌های حیات بشری است. تنوع سبک‌های حکمرانی و اداره در جهان از این مهم حکایت دارد که می‌بایست درباره شیوه بهتر حکمرانی و حکومت اندیشیده شود تا بتوان به الگوهای نسبتاً بهتری برای عمل و اقدام سیستم‌های حکومتی دست یافت؛ الگوهایی که کلیت جامعه را بهتر و با کارآمدی و اثربخشی بیشتر به اهداف منتخب خود برسانند؛ در این رویکرد، حکومت دستگاهی است به مثابه ابزار جامعه که برای تمرکز بر مهم‌ترین اهداف آن طراحی می‌شود (هچ، ۱۹۹۷). بدیهی است که هر چه این دستگاه، خوش‌تراش‌تر، هدفمندتر، برنامه‌ریزی‌شده‌تر، با قابلیت‌های منعطف‌تر و متنوع‌تر و با استحکام بیشتر طراحی شود، نیل به اهداف منتخب اجتماع، امکان‌پذیرتر خواهد بود. بنابراین طراحی ساختار حکومت باید مبتنی بر نظریه‌ای جامع ناظر بر ابعاد گوناگون عمل و اقدام حکومت انجام پذیرد.

**ضرورت صورت‌بندی نظریه واحد**

نظریه حکومت، مبنای فهم فلسفه سیاسی و نحوه دلالت آن بر خط‌مشی‌های اقدام دولت است. در واقع دانش حکومت و اداره به یک پیکره منسجم علمی نیاز دارد تا نظریه‌های گوناگون معطوف به جنبه‌های گوناگون عمل اداری و حکمرانی را تلفیق نماید و نظریه‌ای خاص و ویژه و متمرکز بر مسائل و مشکلات حکومت را صورت‌بندی کند و در مسیر تکامل قرار دهد.

بدین ترتیب، گویا ضرورت دارد که پیکره‌ای از دانش حول مسئله حکمرانی و اداره شکل بگیرد؛ پیکره‌ای که اکنون وجوه گوناگون آن در اکثر دانشگاه‌های کشور، در قلمرو دانشکده‌های اقتصاد، حقوق و علوم سیاسی، علوم اجتماعی، مدیریت و علوم اداری، به‌طور ناقص، بخشی و نامنسجم ارائه می‌شود.

واضح است که سیر موجود، در بهترین حالت به بهینه‌سازی بخشی در تولید دانش می‌انجامد. این کار شبیه درمان بیمار توسط پزشکان متعدد در اتاق‌های جداگانه است. برای مثال، یک پزشک درگیر درمان قلب می‌شود و دیگری درگیر درمان قند و یکی به ازدحام چربی در بدن می‌پردازد، درحالی که اعصاب و روان، مشکل اصلی بیمار است!

در این‌گونه موارد، مصلحت در آن است که تحت رهبری

<sup>1</sup> Hatch

بوروکرات های وزارت بهداشت نبود، بلکه مسئله عدم هماهنگی کلیه رشته های علمی بود. این تصمیم دال بر این منطق بود که باید سایر رشته ها نیز از دانشگاه ها اخذ شده، رشته جغرافیا به سازمان محیط زیست، رشته شهرسازی به وزارت مسکن، راه و شهرسازی، رشته اقتصاد بین دو وزارت خانه اقتصاد و بازرگانی، بهتر است دوتکه شود و به همین ترتیب! البته سایر رشته های علمی بی متولی نیز می توانند به مثابه دانش ها و علوم بی سرپرست در دانشگاه های وابسته به وزارت آموزش عالی باقی بمانند. اگر در آن مقطع تصمیم گرفته می شد که حوزه های وظیفه ای آموزش و کار و بهداشت و درمان، تحت نظر وزارت ارشد رفاه و تعالی امور اجتماعی قرار گیرد، نیازی به این گونه جرح و تعدیل های نسنجیده نبود. به هر حال، فقدان نظریه ناظر بر ساختار دولت و عدم مراجعه به متخصص مدیریت دولتی سبب ساز گسستی سی ساله در میان دانشگاه های کشور شد و جامعیت آنها را خدشه دار کرد. این عمل غیرعلمی، هرچند منجر به افزایش کیفیت بهداشت و پزشکی کشور نشد؛ ولی قدرت بوروکرات های وزارت بهداشت را افزون ساخت!

### داستان دوم: اقتصاد روبه زوال

در سال های آغازین انقلاب، برای مهار پدیده کسری بودجه و به ویژه بحران های مالی حین جنگ، در جهت بازتعریف رابطه ریال و ارز، برای تقویت بنیه اقتصادی دولت اقداماتی انجام شد که گویا به تدریج سنت شدند! این اعمال بدون ملاحظه نیازهای گوناگون و حالات رفتاری متفاوت مردم رخ دادند و دانشی ضمنی را برای شهروندان ایجاد کردند که هرگاه دولت چنین و چنان کند، قیمت ارز بالا می رود. این سیر، نوعی تنبلی ذهنی را بر اندیشه اقتصادی دولت های متوالی مستولی ساخت؛ به گونه ای که با الگو گیری از نظریه های کینز و بسان متخصصان مکانیک، درصدد چاره جویی سخت افزاری از مسئله پیچیده تورم برآمده، سرنوشت ملت را در گرو تدابیر ناقص و ناپخته خود قرار دادند. اگر در آن مقطع، اخذ هر تصمیم پولی و مالی، به شناسایی و رصد حالات روانی و جریان های اقتصادی تعیین کننده کشور در فضای اقتصاد و بازرگانی و صنعت و کشاورزی و بیمه رصد می شد، تدابیر پخته تری در قالب بسته های خط مشی قابل اتخاذ بود. این ظرفیت در هیچ یک از دانشکده های موجود کشور به شکل منسجم در دسترس نبود و هر حوزه از دانش می توانست فقط به بخشی از مسئله بپردازد. در حالی که رجوع به مفاهیم روانشناسی اجتماعی و روانشناسی سیاسی در کنار خط مشی

ساماندهی به امور آموزشی و فرهنگی، امنیتی و سیاسی، اقتصادی و مالی، اداری و خدماتی و مدیریتی ضروری به نظر می رسد. فهم این مهم، نیازمند شکل گیری یک بدنه مستقل دانش است که تشکیل «دانشکده حکومت» روش مناسبی برای تحقق آن است.

### روش تحقیق

این مقاله با استفاده از روایتگری چندین داستان پدیدار شده و واقعی مبتلابه مسائل و مشکلات اداره دولت، با وجهی پدیدارشناسانه ضرورت ایجاد دانشکده حکومت را رصد می کند. برای فهم بهتر و پردازش موضوع «دانشکده حکومت»، توجه به هشت «داستان پدیداری» مهم و ضروری است.

### داستان اول: بهینه سازی بخشی در ساخت دانش

در سال ۱۳۶۴، با داعیه کمبود نیروی انسانی و نیاز کشور به کادر درمانی و همچنین ضرورت عمل منسجم بدنه بهداشتی کشور، دانشکده های پزشکی از پیکره دانشگاه های جامع جدا شدند. این عمل با ادعای افزایش کیفیت بهداشت و ارتقاء سطح پزشکی و درمان، به سان کشورهای پیشرفته ای چون کوبا و نظایر آن رخ داد! داستان چنان شد که بوروکرات ها بر دانشمندان فائق آمدند؛ زیرا بوروکرات ها بر لابی مسلط بودند و دانشمندان اهل علم و بحث و پژوهش. بوروکرات ها دارای تربیون بودند و دانشمندان دارای کرسی تدریس؛ بوروکرات ها پشتیبانی بودجه ملی را داشتند و دانشمندان پشتیبانی وجهه علمی. مجلس و مسئولان وقت، تحت تأثیر استادان بوروکرات<sup>۱</sup>، با نادیده گرفتن حریم دانش و تجربه استادان دانشمند<sup>۲</sup>، به ادعای بوروکرات های آن دوران رأی دادند و دانشگاه های علوم پزشکی از سایرین تفکیک شدند. نکته مهم این است که مهارت بوروکرات ها، مسئله را به نادرستی جهت دهی کرد و نحوه تدوین دستور کار و مفروض انگاشتن گزینه های نادرست، شکل خاصی از تصمیم را صورت بندی نمود و بدان معنی بخشی کرد (ر.ک ویک<sup>۳</sup>، ۱۹۷۹).

در حالی که مسئله اصلی، عدم هماهنگی رشته پزشکی با کار

<sup>۱</sup> Bureaucrat professors

<sup>۲</sup> پدیده ای منحصر به فرد که دانشگاه های ایرانی را به حیات خلوت سیاستمداران تبدیل کرده است.

<sup>۳</sup> Weick

عمومی و اقتصاد و علوم اجتماعی، احتمالاً تصویر صحیح‌تری از مسئله و مشکل جاری کشور عرضه می‌داشت.

### داستان سوم: استحاله مطالبات رهبری

سالهاست که رهبری کشور در ابتدای سال، نامی را به‌مثابه اهداف کلان یا چشم‌اندازی که باید سرلوحه اقدامات ملی قرار گیرد، مطرح می‌نمایند، این نام به‌صورت شعارگونه توسط دیگران تکرار می‌شود و گویا از بالاترین سطح تا پایین‌ترین سطح اجرایی، این شعار را صرفاً در حد تشریح اهمیت آن در سخنرانی‌ها تاکید می‌کنند و یا نهایتاً به برگزاری سمینار، سمپوزیوم یا پژوهش‌های مباحثه با محوریت آن شعار تاکید می‌کنند!

دریغ از یک اهتمام جمعی برای نیل به اهداف این شعار چشم‌انداز گونه رهبری کشور! مگر از سوی ملتی که نه بوروکراسی را در اختیار دارد و نه بودجه و نه قدرت نفوذ رسانه‌ای را! بدین ترتیب دستورات مهم‌ترین مرجع تصمیم‌گیری کشور، در پیچ‌وخم بوروکراسی یا به برنامه‌های تبلیغی استحاله می‌شود یا در قاب شعارهای فرو کاهنده مستهلک می‌گردد یا فراموش می‌شود. توجه شود که این اهداف توسط یک رهبر واقع‌بین مطرح می‌شوند که عملاً سالها مجری برنامه‌های حکمرانی بوده<sup>۱</sup> و مرز آرمان‌گرایی تا واقع‌بینی را به‌خوبی درک می‌کند و می‌داند<sup>۲</sup>.

اگر این اهداف کلان (نام‌های سال‌های متوالی)، در یک مجموعه فکری منسجم، در قالب یک دانشکده یا برنامه ملی میان‌رشته‌ای، و متعهد به موضوع و علاقه‌مند برای حل مسئله، پیگیری شوند و سلسله‌مراتب اهداف آرمانی تا اهداف عملیاتی برای آنها ترسیم گردد، می‌توان امیدوار بود که بوروکراسی، به‌جای تکرار شعار و ادعای هواداری یا سپر سازی از رهبری، به کار اجرایی بپردازد.

رویه سپر سازی از رهبری، در هر سه قوه مشاهده می‌شود؛ به‌طوری‌که معمولاً در تنگناها و شدت یافتن بروز چالش‌ها و ته‌اجم مخالفان داخلی و خارجی، به‌جای کار صریح و سریع، موضع انفعالی گرفته می‌شود، به‌جای اطاعت از رهبری و اهتمام و پاسخگویی به مطالبات وی و مردم، به سپر سازی از

رهبری روی آورده، بخشی از سخنان ایشان را مطرح کرده، بخشی را نادیده می‌گیرند و به‌جای کار مسئولانه، به اظهار وفاداری به ایشان پرداخته، از پاسخگویی طفره می‌روند<sup>۳</sup>. وجود دانشکده حکومت می‌تواند به ایجاد ظرفیتی جامع برای رسیدگی به مطالبات جامع مردم و رهبری کمک نماید.

### داستان چهارم: اثر بومرنگ در مرادده دانشمند و

#### بوروکرات

فقدان سیستم پاسخ‌گویی و پاسخ طلبی و حساب پس دهی صریح، بوروکرات ناتوان را برمی‌انگیزد که برای دوران کوتاه-دستی از مقامات بوروکراتیک، کاری بکند. گویا بهترین جایگاه دانشگاه‌ها هستند که به اقامتگاه ورشکسته‌های سیاسی تبدیل می‌شوند. این روی‌آوری افراطی بوروکرات‌ها به اخذ مدرک دکتری و جذب در هیئت‌علمی دانشگاه‌ها کار را به دادوستدهای ناپاک در بسیاری از دانشگاه‌های کشور رساند و به‌ویژه این بحران در برخی از دانشکده‌های مدیریت کشور به اوج رسید.

روال دنیا این است که دانشمند، نظریه‌ها گوناگون را می‌شناسد و آنها را ارزیابی می‌کند و بر اساس آنها، در مقام مشاور، ایده‌های گوناگون را در اختیار بوروکرات‌ها قرار می‌دهد و بوروکرات، با مسئولیت خود، ایده یا سناریوی علمی خاصی را برمی‌گزیند؛ اما هجمه بوروکرات‌ها یا سیاسیون ورشکسته<sup>۴</sup>، دانشگاه‌ها را محل بحث‌های بی‌سروته از تجربه‌های نارس ساخته است<sup>۵</sup>.

خطر بزرگ آن است که این تجربه‌های شکست، «تجربه اقدام» انگاشته می‌شود و این تجربه بر علم تفضل می‌یابد! غافل از اینکه «تجربه فوق علم»، تجربه عالم و دانشمند است نه تجربه بوروکرات شبه دانشمند! حاصل این دادوستد تجربه، شکل‌گیری «انگاره هوس‌انگیز» استاد مجرب است که تباهی‌های ذهنی دانشجوی بی‌پناه را در پی دارد.

بدین ترتیب، زندانی از ذهنیت‌های خودساخته، دانشجوی

<sup>۳</sup> در این‌گونه موارد، تمایل به مداحی و تعریف و تمجید از سخنان رهبری چنان قوت می‌گیرد که عمل به دستورات ایشان فراموش می‌شود.

<sup>۴</sup> واضح است که اگر این افراد احساس ورشکستگی نمی‌کردند، هرگز به دانشگاه نمی‌آمدند، کما اینکه در دوران ریاست، دانشگاه کمترین محل اعتنای آنها بود و اساساً در دانشگاه نیستند و فقط اتافی را به نام کرده‌اند و ظرفیتی را اشغال!

<sup>۵</sup> تجربه‌های این افراد معمولاً روایت شکست است که هرچند سودمند است، ولی معمولاً تراژیک و بهانه‌ساز جلوه می‌کند و بیشتر به درد توجیه عملکرد ضعیف ورشکسته‌های بعدی می‌خورد.

<sup>۱</sup> حداقل تجربه دو دوره چهارساله، مسئولیت ریاست جمهوری کشور

<sup>۲</sup> جالب آنکه هرگاه شبیه دعاوی رهبری، از سوی دانشگاهیان مطرح می‌شود، دانشگاهیان از سوی بوروکرات‌ها به ایده‌آل‌گرایی، عدم واقع‌بینی یا آرمان‌گرایی متهم می‌شوند و بدین طریق موضوع را از دستور کار خارج می‌کنند.

پیل اندر خانه تاریک بود  
عرضه را آورده بودندش هنوز  
تا آنجا که می گوید:  
از نظر گه گفتشان شد مختلف  
آن یکی دالش لقب داد این الف  
و آنجا که تأکید می کند:  
در کف هر کس اگر شمع می بُدی  
اختلاف از گفتشان بیرون شدی  
(مثنوی معنوی، دفتر سوم)

همان گونه که مورگان (۲۰۰۶) و هج (۱۹۹۷) تأکید کرده اند، کاریست استعاره های بخشی درباره عملکرد یا کارکرد یا وجوه گوناگون سازمان دولت، به شکل گیری نوعی نگاه بخشی و ناقص از ماهیت عملکرد و عرصه اقدام سازمان دولت و حکومت می انجامد.

### داستان ششم: جزءنگری های مقدس انگاشته روشی

حضور رشته مدیریت دولتی در کنار رشته مدیریت بازرگانی و صنعتی سبب شده است که مصیبت روشی این دو رشته که عارضه ناشی از استقراض سنتی از رشته های روانشناسی و علوم تربیتی است به رشته مدیریت دولتی نیز تحمیل شود. بارها دیده می شود که در جلسات تحصیلات تکمیلی، مقوله های واقعی مدیریت دولتی مجادله برانگیز می شوند؛ به ویژه هنگامی که سایر اعضای شورای تحصیلات تکمیلی با مدیریت دولتی بیگانه باشند، استادان مدیریت دولتی را به سوی روش های اثبات گرایانه متداول سوق می دهند. بدین ترتیب مدیریت دولتی از حیث موضوع شناسی (پورعزت و هاشمی کاسوایی، ۱۳۹۵) و روش شناسی، وابسته یا همگرا یا هم نوا با رشته های مجاور شده، از موضوعات محوری خود بازمی ماند؛ موضوعاتی که مجبور است آنها را با روش های متداول در دانشکده های کسب و کار یا رشته های مجاور و همسایه مورد مطالعه و پژوهش قرار دهد. پس می پذیرد که روی موضوعات و مقوله های محدود و مرتبط با سایر رشته های علمی کار کند.

بدین ترتیب این رشته عملاً از کار ویژه<sup>۲</sup> خود بازمی ماند و به مقوله ها و موضوعات مشابه کسب و کار در محیط سازمان های دولتی راغب می شود! امید است تأسیس دانشکده حکومت، به

دانشکده های های مدیریت را اسیر می سازد که به جای نقد بی پروای بوروکرات، از او الگو بگیرد! خطر این وضع، آن است که دانشجوی فعلی و استاد جوان دانشگاه، چنین می آموزد که طریق نخبگی عملی، درگذر بوروکراسی هموارتر است! زیرا اگر به خیل بوروکرات ها ببیند و در نقش «عالم درباری بسیار محترم»، توجیه گر ناشایستگی های وزرای موجود یا نقاد عملکرد وزرای پیشین شود، به ثروت و قدرت بیشتری دست می یابد که می تواند خلاً کم دانشی را با استعمار یا استثمار فریب دانشجویان، جبران نماید و این چنین است که مراوده بوروکرات و دانشمند، اثر بومرنگی مخرب خود را نشان می دهد. بوروکرات کم دانش به کرسی دانشگاهی دست می یابد و به اصطلاح تجربه فروشی می کند و دانشمند درباری اجیر بوروکرات می شود و به اصطلاح علم فروش می شود. پس روایت بومرنگی شکل می گیرد:

الف) حکمران بوروکرات می خواهد دانشگاهی شود تا دوران بازنشستگی یا ورشکستگی سیاسی را با امنیت سپری کند.  
ب) دانشگاهی درباری می خواهد با بوروکرات پیوند بخورد تا به میان برهای اخذ نخبگی سیاسی دست یابد.  
بدین ترتیب، رفت و برگشت این مراوده، انگاره جهل مرکب را زینت می بخشد. بوروکرات دکتری می گیرد و دانشگاهی نیز مشاور او می شود و حکایت استادان بدون نظریه، ولی مدعی تجربه تکرار می شود و منابع مالی یا پست های اداری بیت المال وجه المصلحه این رفت و برگشت هاست. وجود دانشکده حکومت کمک می کند تا این چرخه باطل گسسته شود و حل مشکل یا مسئله حکمرانی، به مثابه بیمار، روی میز جراحی دانشمندان حکمرانی و اداره دولت قرار گیرد.

### داستان پنجم: داستان دانش ها و علوم بخشی نگر و نقد نگاه جامع کل نگر

در دانشکده حکومت، امکان شکل گیری دانش متراکم و متمرکز درباره حکمرانی و اداره حاصل می آید. آنچه اکنون در دانشکده های مدیریت، علوم سیاسی و اقتصاد صورت بندی می شود و عرضه می گردد، تمرکز بر حل کلیت مسئله دولت ندارند، بلکه متمرکز بر بخش هایی از مسئله بوده استعاره های ماشین و سیستم سیاسی (مورگان، ۲۰۰۶) را تداعی می کنند. این نگاه بخشی نگر، به قول مولوی، مکرراً به تجزیه شناختی و نقص ادراکی منجر می گردد. آنجا که می گوید:

<sup>2</sup> Function

<sup>1</sup> Morgan

## نوآوری روشی متناسب با رسالت این رشته منجر شود. داستان هفتم: احساس صلاحیت متخصصان مدیریت عمومی<sup>۱</sup> برای اظهارنظر درباره مدیریت دولتی

درحالی که هر رشته علمی کار ویژه و حریم تخصصی خود را دارد، گویا مدیریت دولتی فاقد حریم شناخته شده است؛ به طوری که از متخصصان علوم میکروبی و متالوژی گرفته تا فلاسفه و متخصصان علوم دینی و مهندسان راه و ساختمان و ترافیک و مدیران کسب و کار درباره آن اظهارنظر علمی می کنند و آراء و احکام شبه علمی صادر می نمایند!

این وضعیت، رشته مدیریت دولتی را در تنگنای استحاله و فرو کاهیدگی هویت قرار داده است. امید است وجود دانشکده حکومت این امکان را فراهم آورد که حریم میان رشته ای و چند رشته ای مدیریت دولتی، اداره و حکمرانی، به درستی و همراه با حقوق، علوم سیاسی، اقتصاد، روانشناسی سیاسی، جامعه شناسی سازمان، و علوم اجتماعی به درستی تعریف گردد و از استحاله هویت آن در رشته های مجاور نظیر مدیریت بازرگانی (پولیت<sup>۲</sup>)، ۱۹۹۶، ۷۰۰) جلوگیری شود. حاصل این گرایش به حوزه های پیرامونی اغتشاش مفاهیم و معانی و اصطلاحات و بروز آلودگی زبانی و فرو کاهیدگی معانی در سطح نازل تر رشته های پیرامونی است؛ تا حدی که گاهی رشته مدیریت دولتی در نگاه رشته های هم جوار، مبتذل سرا به نظر می رسد؛ زیرا برای مثال با سطح توان کمتر از رشته های بازرگانی و اقتصاد، به تحلیل اقتصادی یا امور بازرگانی و کسب و کار می پردازد که اساساً رسالت آن نبوده است. چه بسا با توسعه دانشکده حکومت در فضای میان رشته ای و چند رشته ای مرتبط، زمینه منسجم شدن فرهنگ واژگان رشته در تناسب با کارکرد آن فراهم آید و از مبتذل سرایی فاصله گرفته شود.

## داستان های بعدی: داستان های مکرر شکست

### بوروکراسی بدون ارزشیابی

نمونه ها و شرح حال ها این داستان ها به حدی زیادند که در این مجال و در این مقام نمی گنجد. چه بسا طرح های شکست خورده ای که با درصدی ترمیم هزینه موفق می شدند، ولی رها شدند و چه بسا طرح های بی سرانجامی که به فراموشی سپرده شدند. وجود دانشکده حکومت، قدرت نظارت بر عملکرد کلان دولت را افزایش می دهد و دانشگاه را به مثابه حلقه بازخور دوم

و نقاد عملکرد حکومت، در خدمت جامعه قرار می دهد.<sup>۳</sup>

## بحث و نتیجه گیری

رصد داستان های موفقیت و عدم موفقیت دستگاه اداری کشور، از دوران شروع به مدرن شدن در اواخر دوران قاجار و آغاز دوران پهلوی تاکنون، این نکته را به ذهن متبادر می کند که نظریه توسعه ویژه کشور، نیاز به بازنگری دارد؛ به ویژه با ملاحظه این مهم که ایران، بیشترین منابع مالی مورد استفاده خود برای حیات را از خام فروشی مواد اولیه و منابع طبیعی حاصل می نماید و بخش خصوصی آن، علی رغم فضاها و فرصت های مکرری که به ویژه پس از انقلاب پیش رویش گشوده می شود، همواره ناکام و ناتوان جلوه کرده است؛ از این رو ادعا می شود که این حوزه عمل و اقدام اجتماعی، نیاز به بازپردازی نظریه پشتیبان اداره دولت و حکومت دارد؛ نظریه ای جدید با رویکردی منسجم و کلان نگر و کل نگر نظیر حکمرانی تعالی گرا (پورعزت، ۱۳۹۲، ۲۸۷).

در این مقاله با تحلیل داستان بهینه سازی بخشی در ساحت دانش، ملاحظه می شود که فقدان نظریه درباره ساختار مناسب دولت به شکل دهی آن انجامیده است. داستان اقتصاد روبه زوال حاکی از آن است که نگاه تک رشته ای به اقتصاد کلاسیک، نسخه های خطرناک صادر می کند؛ داستان استحاله مطالبات رهبری دلالت بر این دارد که فقدان متولی علمی، به استهلاک فرمان در سلسله مراتب قدرت می انجامد؛ داستان اثربومرنگ مراوده دانشمند و بوروکرات بر سطحی شدن گفتمان دانش اداره در مراوده سیاستمدار بی سواد و دانشمند درباری دلالت دارد؛ داستان جزءنگری مقدس انگاشته روش، به انحراف روش شناسی و موضوع شناسی رشته مدیریت دولتی در اثر مجاورت با مدیریت بازرگانی و صنعتی پرداخته

<sup>۳</sup>. بسیار قابل تأمل است که هر آنکه در دانشگاهی معتبر به رتبه استادی می رسد باید نظریه ای یا نقدی یا کولاژواژه ای یا روشی را ابداع کرده و معرفی نموده باشد. برای مثال می توان به نظریه عدالت حق مدار (پورعزت، ۱۳۹۱) یا جهیزیه سیاسی (دانایی فرد، ۱۳۹۲) اشاره کرد. همچنین می توان به کولاژ واژه های عدالت احساسی (قلی پور و پیران نژاد، ۱۳۸۷) یا عدالت زبانی (پورعزت، ۱۳۹۱) اشاره نمود. در همین امتداد ابداع روش هایی چون طراحی سازمان هولوگرافیک (سرلک، ۱۳۸۷) یا سیستم برنامه ریزی سلولی عصر مدار (پورعزت ۱۳۸۹) یا دلالت پژوهی (دانایی فرد، ۱۳۹۵) مدنظر قرار می گیرد؛ بنابراین رسیدن به رتبه استادی باید با شناسه های قابل دفاعی در عرصه چالش های علمی همراه باشد. خیل استاد تمام های بدون دستاورد یا دیدگاه نظری ویژه، راوی حکایت مصالحه فزاینده بوروکراسی و دانشگاه است.

<sup>۱</sup> General Management

<sup>۲</sup> Pollit

احتمالی اثربخشی آن باشد. مهم این است که بتوان دانشکده ای با اثربخشی نهایی و پیامدهای تسلسلی بالا<sup>۱</sup> طراحی و ایجاد کرد.

### منابع

پورعزت، علی اصغر، (۱۳۸۹). مدیریت راهبردی عصر مدار؛ رویکرد آینده پژوهانه به منافع عمومی، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

پورعزت، علی اصغر، (۱۳۹۱)-الف. عدالت حق مدار: آگاهی، رفاه، امنیت. انتشارات علمی و فرهنگی.

پورعزت، علی اصغر، (۱۳۹۱)-ب. عدالت زبانی، نقطه عطف روایت عدالت اجتماعی. انتشارات بنیاد نهج البلاغه.

پورعزت، علی اصغر، (۱۳۹۲). مبانی مدیریت دولتی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاهها.

پورعزت، علی اصغر، هاشمی کاسوایی، مینا سادات، (۱۳۹۴). بازشناسی هویت مدیریت دولتی و دانش اداره. پژوهش های مدیریت عمومی. سال ۸، شماره ۳۰، ۳۱-۵۸.

دانایی فرد، حسن، (۱۳۹۲). به سوی فهم نظریه جهیزیه سیاسی در مدیریت بخش دولتی: شالوده های نظری، روایت مفهومی و پیامدهای سازمانی و ملی. اندیشه مدیریت راهبردی، سال ۷، شماره ۱، پیاپی ۱۳، ۳۱-۵۸.

دانایی فرد، حسن، (۱۳۹۵). روش شناسی مطالعات دلالت پژوهی در علوم اجتماعی و انسانی: بنیان ها، تعاریف، اهمیت رویکردها و مراحل اجرا، فصلنامه علمی-پژوهشی روش-شناسی علوم انسانی، سال ۲۲، شماره ۸۶، ۷۱-۳۹.

سرلک، محمدعلی، (۱۳۸۷). یادگیری سازمانی از طریق طراحی سازمان های کل گرا یا هلوگرافیک، پیک نور، دوره ۶، شماره ۲، ۱۷۱-۱۶۲.

قلی پور، آرین، پورعزت، علی اصغر، (۱۳۹۰). تبیین نهادی نحوه شکل گیری ساختاری هیدرولیک در ایران، مدرس علوم انسانی، پژوهش های مدیریت در ایران، دوره ۱۵، شماره ۲، ۱۳۳-۱۵۰.

قلی پور، آرین، پیران نژاد، علی، (۱۳۸۷). ارتقای اعتماد عمومی و دموکراسی الکترونیکی، تبیین نقش دولت الکترونیک. فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۲، شماره ۱، ۲۵۶-۲۱۹.

مولوی، محمد بلخی، جلال الدین، مثنوی معنوی، دفتر سوم، بخش ۴۹، شبکه بر خط گنجور.

است؛ داستان هفتم نیز از تمایل متخصصان رشته های گوناگون به اظهارنظر در حریم این رشته فاقد متولی می گوید؛ داستان های مکرر شکست بوروکراسی بدون ارزشیابی نیز این مهم را مدنظر قرار می دهد که فقدان متولی ثبت و ضبط و انسجام بخشی تجربه ها به تکرار احتمال تجربه شکست می انجامد.

بر اساس آنچه گفته شد، می توان چنین ادعا کرد که ایجاد دانشکده حکومت به چند دلیل ضرورت اجتناب ناپذیر دارد:

- ۱) صورت بندی نظریه چند رشته ای و میان رشته ای اداره و حکمرانی و تلفیق ادبیات رشته های گوناگون
- ۲) تدوین فراگرد شکل دهی بسته خط مشی با ملاحظات گوناگون و در عین حال مرتبط با خط مشی گذاری عمومی
- ۳) ایجاد امکان آزمون خط مشی پیش از اجرا
- ۴) اهتمام به حل مسائل و مشکلات فوق پیچیده اعم از اجتماعی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اداری
- ۵) تمرکز بر مسئله اداره و حکمرانی
- ۶) مسئولیت پذیری درباره پیامدهای اجرای تدابیر و ارائه بازخوردهای اجتماعی مناسب

بدین ترتیب بدنه دانش حکومت و اداره، باید به صورت منسجم توسعه داده شود تا به ارائه راه کارهای جامع و در عین حال دقیق بینجامد. دانشکده های حکومت می توانند در سراسر کشور، با ایجاد ظرفیت و تمرکز بر مسئله عمومی و مشکل عمومی، فرصت های ارزنده ای را برای توسعه مراکز خط مشی پژوهی و آزمایشگاه های خط مشی در جهت بازنگری و بازپردازی روش های کلاسیک حل مسئله و مشکل در دولت ایجاد نموده، امکان تمرکز بر مسئله حکمرانی و اداره را در ساحت کلی آن فراهم آورد.

با توجه به داستان های نقل شده که در گذشته به ارائه شبه نظریه ها و شبه رویکردهای بخشی پرداخته و موجب ناکامی دولت و ملت در نیل به اهداف خود شده اند، گویا زمان آن رسیده که با قاطعیت، از اهمیت و ضرورت شکل گیری دانشکده حکومت دفاع شود؛ دانشکده ای که بتواند به طور تخصصی و مسئولانه به بررسی و تحلیل مسئله حکومت و دولت و اداره بپردازد.

این مقاله صرفاً جهت طرح بحث از ضرورت ایجاد دانشکده حکومت نگارش یافته است؛ لذا، امید است نقدهای تکمیلی و ارشادی پژوهشگران بعدی، معطوف به اصلاح دیدگاههای نگارنده، پیشنهاد ساختار و کارویژه دانشکده حکومت، نحوه تعامل رشته های دانشکده باهم جهت توسعه علم، نحوه تعامل دانشکده با دولت و حکومت، و ارائه راه های غلبه بر موانع

<sup>1</sup> Outcome, impact & consequences

Hatch, J. Mary., (1997). *Organization Theory: Modern Symbolic and Postmodern Perspectives*. Oxford University Press.  
Morgan, Gateth., (2006). *Images of Organization*. Sage.  
Pollit, Christopher. (1996). *Public*

*Administration*. In Kuper & Kuper (Eds), *The Social Science Encyclopedia*, (2<sup>nd</sup> Edition). Rutledge.  
Weick, Karel E. (1979). *The Social Psychology of Organization*, 2nd ed. Random horse.



### بیوگرافی علمی نویسنده:



دکتر علی اصغر پورعزت استاد تمام گروه مدیریت دولتی دانشگاه تهران، و عضو هیئت مؤسس و هیئت مدیره انجمن مدیریت دولتی ایران است. وی صاحب نظر و نظریه پرداز در حوزه مباحث حکمرانی و مدیریت اسلامی است. دکتر پورعزت همچنین یکی از بنیان گذاران رشته آینده پژوهی در ایران است و اولین پژوهشگر ایرانی است که در این حوزه در مجلات معتبر بین المللی (از سال ۱۳۸۲) ارائه نظریه کرده است. برخی از افتخارات علمی ایشان به شرح ذیل است:

- رئیس انجمن مدیریت دولتی ایران از سال ۱۳۹۴ تاکنون
- جزء پر تولیدترین پژوهشگران علوم انسانی کشور بر اساس اعلام پایگاه استنادی جهان اسلام (ISC)
- اثر شایسته تقدیر ششمین جشنواره بین المللی فارابی برای کتاب عهدنامه امیر (ع)، جان مایه خرد معنوی در حکمرانی و سنت انبیاء، ۱۳۹۳
- اثر برگزیده سوم در دومین جشنواره بین المللی فارابی برای کتاب مختصات حکومت حق مدار در پرتو نهج البلاغه امام علی (ع)، ۱۳۸۸
- رتبه اول جشنواره بین المللی نهج البلاغه برای رساله دکتری، ۱۳۸۴
- رتبه اول فارغ التحصیلان دکتری خطامشی گذاری عمومی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۲
- نظریه پردازی «تصورپردازی از آینده به مثابه راهبرد اقدام در سیستم های اجتماعی»
- نظریه پردازی «عدالت حق مدار»
- مفهوم پردازی «مدیریت راهبردی عصر مدار»
- مفهوم پردازی «سیستم پشتیبان خطامشی»
- مفهوم پردازی «سیستم پشتیبان ارزشیابی»
- مفهوم پردازی «مثلث سازی قدرت»
- مفهوم پردازی «عدالت مشاهده ای»
- مفهوم پردازی «عدالت زبانی»
- طراح «سیستم هوشمند قانون گذاری»
- طراح «سیستم برنامه ریزی سلولی عصر مدار»
- طراح «استفاده از داستان به مثابه ابزار تحول اجتماعی»
- ارائه کننده نحوه صورت بندی و طراحی «بسته خطامشی»
- ابداع روش استفاده از «نمودارهای جریان اطلاعات» برای طراحی سیستم های حکمرانی
- تصنیف و نگارش بیش از بیست کتاب علمی (برخی به صورت مشترک با همکاران)
- نگارش و چاپ بیش از سیصد مقاله علمی در مجله ها و سمینارهای معتبر داخلی و بین المللی